

# جهان‌شهر

پنجشنبه ۲۹ آذر ۱۴۰۳

شماره ۸۰۴۳

فروشگاه

فروشگاه

فروشگاه

فروشگاه

فروشگاه

فروشگاه

فروشگاه

فروشگاه

فروشگاه

فروشگاه

فروشگاه

فروشگاه

فروشگاه

فروشگاه

فروشگاه

فروشگاه

فروشگاه

فروشگاه

فروشگاه

فروشگاه

فروشگاه

فروشگاه

فروشگاه

فروشگاه

فروشگاه

فروشگاه

فروشگاه

فروشگاه

فروشگاه

فروشگاه

فروشگاه

فروشگاه

فروشگاه

فروشگاه

فروشگاه

فروشگاه

فروشگاه

فروشگاه

فروشگاه

فروشگاه

فروشگاه

فروشگاه

فروشگاه

فروشگاه

فروشگاه

فروشگاه

فروشگاه

فروشگاه

فروشگاه

فروشگاه

فروشگاه

فروشگاه

فروشگاه

فروشگاه

بازگشت ترامپ چالش‌های جدّی اقتصادی و سیاسی به همراه داشته است

# بحران برای متحدان آمریکا

**حسین زینلی**  
**پژوهشگر مسائل بین‌الملل**

ایالات متحده برای دهه‌ها به‌عنوان‌بسیک نیروی هژمون در صحنه جهانی نقش آفرینی کرده و بسیاری از کشورها به قدرت اقتصادی و نظامی این کشور به‌عنوان تکیه‌گاه امنیتی و سیاسی خود وابسته بوده‌اند. اما در سال‌های اخیر، برخی از نزدیک‌ترین متحدان آمریکا با چالش‌های بی‌سابقه‌ای روبرو و رنوشده‌اند.

این بحران‌ها کناشی از عوامل داخلی و بین‌المللی‌اند. از ناپسانامی‌های سیاسی در اروپا و آسیا گرفته تا رکود اقتصادی در کشورهای مانند آلمان و فرانسه، شرایطی پیچیده برای نظم بین‌المللی ایجاد کرده‌اند. بازگشت دونالد ترامپ به قدرت نیز به نگرانی هادر مورد آینده روابط آمریکا با این کشورها دامن زده است.

### ناپسانامی‌های سیاسی در اروپا و آسیا

یکی از مهم‌ترین بحران‌هایی که متحدان آمریکا با آن روبرو و رنبد، مشکلات سیاسی داخلی است. به عنوان مثال، در آلمان، دولت ائتلافی سه‌جانبه-معروف به «چراغ راهنمای»- به رهبری اولاف شولتس پس از اختلافات شدید درون ائتلاف، به‌ویژه با کریستیان لیندنر، وزیر دارایی و رهبر حزب دموکرات آزاد (FDP)، فروپاشید. این اختلافات بر سر سیاست‌های اقتصادی، از جمله قوانین سختگیرانه مالی و تغییرات لازم برای احیای اقتصادی کشور، به نقطه اوج خود رسید. اختلاف صدراعظم و وزیر دارایی بر سر بودجه کمکی به اوکراین بود. به گفته منابع دولتی، شولتس خواستار افزایش سه میلیارد یورویی بسته مالی حمایت از اوکراین و رساندن آن به مبلغ ۱۵ میلیارد یورو از طریق تغییر در «سقف هزینه‌ها» بوده است، ولی وزیر دارایی با این درخواست مخالفت کرد. لیندنر خواستار کاهش مالیات‌ها و تعدیل سیاست‌های اقلیمی برای تحریک رشد اقتصادی بود. کشمشک بر سر این موضوع، باعث شد تا شولتس پس از اعلام نتایج انتخابات آمریکا، لیندنر را از سمتش برکنار و به‌طور مؤثر حزب FDP را از ائتلاف خارج کند. این امر باعث شد دولت به یک ائتلاف اقلیت تبدیل شود و زمینه برای انتخابات زودهنگام در اوایل ۲۰۲۵ فراهم شود.

این بحران همچنین با پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا هم‌زمان و باعث نگرانی‌هایی در باره تأثیرات سیاست‌های تجاری محافظه‌کارانه ترامپ بر اقتصاد آلمان شد. صدراعظم آلمان چندین بار در سخنرانی‌های خود به انتخابات ریاست جمهوری آمریکا اشاره کرد و افزود که پیروزی ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا باعث شده به این نتیجه برسد که آلمان باید برای برعهده‌گیری مسئولیت مدرن‌سازی اقتصادی و دفاعی خود هزینه بیشتری بپردازد. طبق تحلیل‌ها، یک جنگ تجاری جدید ترامپ می‌تواند تا ۱۸۰ میلیارد یورو به اقتصاد آلمان خسارت وارد کند. از سوی دیگر، نیاز به اتحاد در برابر چالش‌های خارجی همچون بحران اوکراین و تقویت امنیت اروپا نیز بر اهمیت ثبات داخلی افزوده است.

پس از فروپاشی ائتلاف سه‌جانبه و اداره دولت با یک ائتلاف اقلیت شامل حزب سوسیال‌دموکرات (SPD) و حزب سبزها، صدراعظم آلمان نشست رأی اعتماد برگزار کرد تا از این طریق نشان دهد آیا یونددستگ (پارلمان آلمان) همچنان از او و سیاست‌های دولتی حمایت می‌کند یا خیر. در واقع، این رأی‌گیری با هدف سنجنش اعتماد نمایندگان به توانایی صدراعظم در ادامه اداره دولت و پیشبرد برنامه‌هایش بود. روز دوشنبه پارلمان آلمان با رأی عدم اعتماد به شولتس و دولت ائتلافی او، راه را برای برگزاری انتخابات زودرس در روز ۲۳ فوریه ۲۰۲۵ باز کرد.

فرانسه نیز از وضعیتی شبیه به آلمان‌رنج‌می‌برد. در پایان سال ۲۰۲۴، این کشور با یکی از بزرگ‌ترین بحران‌های سیاسی خود روبرو و رنبد. دولت میشل بارنیه، نخست‌وزیر منصوب امانوئل مکرون، پس از شکست در رأی اعتماد مجلس ملی، فروپاشید. این رأی‌گیری که در ۴ دسامبر برگزار شد، نتیجه مستقیم نارضایتی گسترده از سیاست‌های ریاضتی و اختلافات شدید بین جناح‌های مختلف سیاسی بود. بارنیه که سعی داشت کسری بودجه را با کاهش هزینه‌های عمومی جبران کند، با اعتراضات گسترده عمومی و اعتصابات کارمندان دولتی مواجه شد. امانوئل مکرون در پاسخ به این بحران اعلام کرد که تا پایان دوره خود در سال ۲۰۲۷ به کار ادامه خواهد داد. او در سخنرانی تلویزیونی خود قول داد تا نخست‌وزیری جدید معرفی کند و لایحه‌ای اضطراری برای تضمین جمع‌آوری مالیات‌ها ارائه دهد. وی همچنین احزاب مخالف را متهم به ایجاد «جبهه ضد جمهوری» کرد و گفت که این تصمیم باعث تشدید بحران می‌شود. این بحران سیاسی در حالی رخ داد که اقتصاد فرانسه نیز با چالش‌های بزرگی مواجه است. نرخ بیکاری همچنان بالاست و رشد اقتصادی بسیار کندتر از پیش‌بینی‌هاست. بنابر گزارش‌های مالی، فروپاشی دولت باعث کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران و افت رتبه‌بندی اعتباری فرانسه شده است. بر اساس ارزیابی مؤسسه اعتبارسنجی مودی، این بحران احتمال بهبود مالی کشور را کاهش داده است.

این تحولات نشان‌دهنده شکنندگی ساختار سیاسی و اقتصادی فرانسه در مواجهه با چالش‌های داخلی و خارجی است. مکرون برای حفظ ثبات و جلوگیری از افزایش بحران باید بین جناح‌های مختلف سیاسی مصالحه ایجاد کند. اما این کار در شرایط کنونی دشوار به نظر می‌رسد.

در اواخر سال ۲۰۲۴، کره جنوبی، دیگر متحد واشنگتن، نیز با یکی از پیچیده‌ترین بحران‌های سیاسی خود روبرو و رنبد؛ بحرنی که از اعلام وضعیت حکومت نظامی توسط رئیس‌جمهور یونسوک یول آغاز شد. این تصمیم در یک سخنرانی تلویزیونی اعلام شد و رئیس‌جمهور آن را پاسخی ضروری به «تهدیدات کمونیستی از سوی کره شمالی» و «عوامل ضد دولتی» دانست. وضعیت حکومت نظامی، که آخرین بار در دهه ۱۹۸۰ اعلام شده بود، به نیروهای نظامی اختیار کامل داد تا فعالیت‌های سیاسی، تجمعات عمومی و حتی عملیات مجلس ملی را محدود کنند. نیروهای

مسلمح، در اقدامی بی‌سابقه، وارد ساختمان مجلس شدند و آن را محاصره کردند.

با وجود چنین فشارهایی، نمایندگان مجلس ملی به‌سرعت واکنش نشان دادند و برای قاطع خواستار لغو این وضعیت شدند. بر پایه قانون اساسی کره جنوبی، رئیس‌جمهور ملزم به تبعیت از این تصمیم بود. به همین دلیل وضعیت حکومت نظامی پس از ساعتی لغو شد. این رویداد واکنش‌های گسترده‌ای در داخل و خارج از کشور برانگیخت. در داخل، مردم در خیابان‌ها تجمع کردند و خواستار حفظ دموکراسی شدند. بسیاری از منتقدان، این اقدام را نشانه‌ای از سوءاستفاده رئیس‌جمهور از قدرت دانستند، به‌ویژه در حالی که محبوبیت او در ماه‌های اخیر به دلیل مسائل اقتصادی و اجتماعی کاهش یافته بود. در سطح بین‌المللی، شرکای کره جنوبی مانند ایالات متحده و اتحادیه اروپا نگرانی خود را از این اتفاقات ابراز کردند و خواستار پایبندی دولت به اصول دموکراتیک شدند. این حادثه همچنین تأثیراتی بر سیاست خارجی کره جنوبی داشت، به‌ویژه در رابطه با تعاملات منطقه‌ای با چین و ژاپن. برخی تحلیلگران معتقدند که این بحران می‌تواند بر جایگاه بین‌المللی کره جنوبی تأثیر منفی بگذارد و چالش‌های امنیتی جدیدی ایجاد کند. با فروکش کردن بحران، بحث‌های گسترده‌ای در جامعه سیاسی و مدنی کره جنوبی در مورد اصلاحات ساختاری آغاز شد. بسیاری خواستار تغییرات قانونی برای محدود کردن اختیارات ریاست‌جمهوری شدند تا از سوءاستفاده از قدرت در آینده جلوگیری شود. این رویداد نشان داد که دموکراسی در کره جنوبی همچنان در برابر تهدیدات آسیب‌پذیر است، اما همچنین قدرت‌نهادهای دموکراتیک برای مقابله با این چالش‌ها نیز به نمایش گذاشت.

اوضاع در کانادا، دیگر متحد آمریکا، نیز تفاوت چندانی با دیگران ندارد. کانادا که از چند سال پیش به دلیل تغییرات در سیاست‌های بین‌المللی، به ویژه بعد از روی کار آمدن دونالد ترامپ در ایالات متحده، درگیر بحران‌های سیاسی بوده است، هنوز دوم در ریاست‌جمهوری ترامپ آغاز نشده، به سختی تحقیر شده است. به تازگی ترامپ برای چند بار، جاستین ترودو، نخست‌وزیر کانادا و کشورش را تحقیر کرده است. ترامپ به ترو و پیشنهادهای دیگر که اگر تعرفه پیشنهادهای اقتصاد همسایه شمالی را ماخل می‌کند، شاید بهتر باشد که این ایالت به پنجاه و یکمین ایالت آمریکا تبدیل شود. خط و نشان کشیدن‌های ترامپ علیه کانادا، در نهایت روز سمنشنبه منجر به استعفاى وزیر دارایی کانادا به دلیل اختلاف با نخست‌وزیر بر سر وضعیت تعرفه‌های آمریکا شد. «کریستیا فرلیند» که از سال ۲۰۲۰ وزیر دارایی بود، قبل از ارائه برنامه اقتصادی دولت به پارلمان استعفا کرد. در نامه‌ای سرگشاده به ترو دو که به شبکه اجتماعی ایکس منتشر شد، گفت: «در چند هفته گذشته، من و شمار بر سر بهترین مسیر برای کانادا با هم اختلاف داشتیم.» آن‌طور که رسانه‌های کانادایی گزارش دادند، فرلیند و ترو دو بر سر پیشنهادهای دولت‌های معاقبت‌های مالیاتی موقت وسامیر هزینه‌ها با یکدیگر دچار اختلاف شدند. فرلیند معتقد بود که تهدید اعمال تعرفه‌های جدید بر کالا‌های وارداتی از کانادا توسط دولت ترامپ، تهدیدی جدی است.

### چالش‌های اقتصادی

اقتصاد آلمان، بزرگ‌ترین اقتصاد اروپا، همچنان در سال ۲۰۲۴ با رکود دست‌وپنجه نرم می‌کند. پس از انقباض ۰٫۳ درصدی تولید ناخالص داخلی این سال ۲۰۲۳، پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهند که این کشور در سال ۲۰۲۴ نیز کاهش مشابهی را تجربه خواهد کرد. کاهش سرمایه‌گذاری‌های شرکتی به دلیل عدم اطمینان سیاسی، بحران بودجه فدرال و نرخ بهره بالا، مانع از رشد جمعیتی شده است. همچنین، تولیدات صنعتی در بخش‌هایی مانند صنایع شیمیایی و فلزی به شدت کاهش یافته‌اند. تورم نیز علی‌رغم کاهش شده است به دلیل افزایش قیمت‌ها در روستاها و شهرهای کوچک تشکیل شده است. شهرهای نزدیک به هم نیز با توجه به ناهمواری‌ها، دسترسی سختی به یکدیگر دارند و صهیونیست‌ها با ایجاد ایست‌وبازرسی در معابر عبوری و همچنین نقاط ترنق، کنترل مؤثری بر فلسطینی‌ها اعمال می‌کنند. این ناهمواری‌ها حتی کنترل شهرها و روستاهای بزرگ را نیز آسان کرده است زیرا به دلیل واقع شدن یک کوه یا تپه‌ای بزرگ در بخشی از منطقه جمعیتی، قسمت‌های مختلف یک شهر تقریباً از یکدیگر جدا شده‌اند.

در مقابل، غزه وضعیت دیگری دارد. این شهر در برابر تهاجم زمینی بی‌دفاع است اما در درگیری‌های شهری اوضاع متفاوتی دارد. به دلیل صاف بودن زمین در غزه، رژیم صهیونیستی این منطقه را به شدت فشرده کرده و می‌توان گفت بیرون نقاط جمعیتی اردو زده است. در فقدان فشار جمعیتی، صهیونیست‌ها ساکنان غزه را در مرکز جمعیتی‌شان محاصره کرده و منطقه حومه آن به نام «غلاف غزه» را تحت اشغال خود دارند.

اردو زدن دشمن بیرون از نوار غزه پیش از ۷ اکتبر نیز صادق بود. حضور آوارگان سرزمین‌های ۱۹۴۸ در غزه نیز بر جمعیت و فشرده‌گی آن افزوده است. به همین دلیل غزه امروزه متراکم‌ترین سکنه‌نگاه انسانی است. این منطقه آنقدر جمعیت فشرده‌ای

نسبی، همچنان فشار اقتصادی بر خانوارها و صنایع وارد کرده است. ضعف در تقاضای خارجی و افزایش هزینه‌های انرژی، صادرات آلمان را به شدت تحت تأثیر قرار داده است.

فرانسه نیز در سال ۲۰۲۴ با رشد اقتصادی کُند مواجه بوده است. در پی بحران‌های سیاسی و افزایش کسری بودجه، رشد اقتصادی این کشور تحت تأثیر قرار گرفته است. تورم هزینه‌های بالای انرژی مشکلات بیشتری را به‌صنایع این کشور تحمیل کرده‌اند. دولت تلاش کرده تا با اصلاحات ساختاری و افزایش بهره‌وری اقتصادی این روند را معکوس کند، اما عدم اطمینان سیاسی و مخالفت‌های اجتماعی چالش‌هایی جدّی ایجاد کرده‌اند. در صنایع اصلی مانند خودروسازی، کاهش صادرات و تولید مشاهده می‌شود که نشان‌دهنده ضعف در بازسازی اقتصادی است.

اقتصاد کره جنوبی نیز در سال ۲۰۲۴ با کاهش تقاضای جهانی برای کالا‌های الکترونیکی و نیمه‌رسانا‌ها-که از اجزای کلیدی صادرات این کشور هستند-مواجه شده است. علاوه بر این، نرخ بالای بدهی خانوارها و کاهش اعتماد مصرف‌کنندگان مانع از افزایش هزینه‌های داخلی شده است. دولت کره تلاش کرده است تا با صنایع‌های محرک اقتصادی از جمله سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی و حمایت از شرکت‌های کوچک و متوسط، رشد اقتصادی را تحریک کند. با این حال، چالش‌های ژئوپولیتیکی مانند تنش با کره شمالی و وابستگی شدید به نخبیره تأمین جهانی بر پایداری اقتصادی این کشور سایه افکنده است. در کانادا، تورم بالا و رشد اقتصادی کند، محور اصلی چالش‌های اقتصادی در سال ۲۰۲۴ بوده است. رشد اقتصادی ضعیف به دلیل کاهش قیمت نفتست و گاز و افت تقاضای جهانی برای مواد خام بوده است که بر صنعت منابع طبیعی این کشور تأثیر منفی گذاشته است. با وجود تلاش‌های دولت برای کنترل تورم از طریق سیاست‌های مالی محتاطانه، نرخ بهره بالا فشار بر مردم‌گردنگان را افزایش داده و رشد بخش مسکن را محدود کرده است. این چالش‌ها نشان می‌دهند که متحدان ایالات متحده به شدت به سیاست‌های اقتصادی و تغییرات ژئوپولیتیکی واکنش نشان می‌دهند و هر کدام با چالش‌های مختص خود دست به گریبان هستند.

### تأثیر بازگشت ترامپ

کاملاً مشخص است که بازگشت دونالد ترامپ به ریاست‌جمهوری ایالات متحده در سال ۲۰۲۵، تأثیرات قابل توجهی بر سیاست‌های اقتصادی و امنیتی در سطح جهانی و به‌ویژه بر متحدان آمریکا خواهد داشت. ترامپ در دوره اول ریاست‌جمهوری خود (۲۰۱۷–۲۰۲۱)، با اتخاذ سیاست‌های اقتصادی ملی‌گرایانه، توافق‌نامه‌های بین‌المللی را به چالش کشید و روابط ایالات متحده با متحدان سنتی را در معرض خطر قرار داد. با بازگشت او، پیامدهای این سیاست‌ها ممکن است حتی عمیق‌تر شوند و به چالش‌های فعلی متحدان افزوده شود.

از منظر اقتصادی، وعده ترامپ برای اعمال تعرفه‌های ۲۵ درصدی بر واردات از کانادا و مکزیک یکی از برجسته‌ترین تهدیدات است. گزارش‌ی از مؤسسه آکسفورد اکونومیکس نشان داده است که این اقدام می‌تواند اقتصاد هر سه کشور را به زور رکود برساند. به‌طور خاص، صادرات کانادا و مکزیک که سهم بزرگی از تولید ناخالص داخلی این کشورها را تشکیل می‌دهند، به شدت آسیب خواهند دید. این موضوع می‌تواند باعث کاهش اشتغال در بخش‌های مرتبط با صادرات در این کشورها شود. به‌عنوان مثال، صادرات خودروهای کانادا به ایالات متحده که در سال ۲۰۲۳ بیش از ۶۰ میلیارد دلار بود، ممکن است به‌شدت کاهش یابد.

در اروپا، اقتصادهای بزرگ مانند آلمان و فرانسه که در سال‌های اخیر با رکود و کاهش



تولیدات صنعتی مواجه بوده‌اند، در برابر تعرفه‌های جدید بسیار آسیب‌پذیر خواهند بود. به گفته تحلیلگران، تعرفه‌های گسترده ترامپ بر کالا‌های صنعتی اروپا می‌تواند رشد اقتصادی آلمان را تا ۰٫۵ درصد کاهش دهد و تولید صنعتی را در بخش‌های کلیدی مانند خودروسازی و صنایع شیمیایی به شدت تحت تأثیر قرار دهد. این اقدامات می‌توانند نخبیره‌های تأمین جهانی را نیز دچار اختلال کنند، مشابه اتفاقاتی که در دوران ریاست‌جمهوری قبلی او رخ داد.

در حوزه امنیت، سیاست خارجی ترامپ در قبال متحدان ناتو و کشورهای آسیای شرقی نیز مورد توجه قرار دارد. ترامپ در دوره قبلی خود بارها از کشورهای ناتو خواست سهم بیشتری از هزینه‌های دفاعی خود را پرداخت کنند و حتی تهدید به خروج از این پیمان کرد. این مواضع، نگرانی‌هایی را در مورد تعهد آمریکا به دفاع مشترک ناتو ایجاد کرد. بازگشت او و تکرار همان مواضع، ممکن است این نگرانی‌ها را تشدید کند و کشورهای اروپایی را به افزایش بودجه‌های نظامی خود وادار کند. همان‌طور که آلمان در سال ۲۰۲۴ با افزایش بودجه دفاعی خود به ۲ درصد تولید ناخالص داخلی تلاش کرد تا شفاف‌نشدن احتمالات آینده او پر کند.

در آسیا، کره جنوبی و ژاپن که به شدت به حضور نظامی ایالات متحده در مقابله با تهدیدات کره شمالی و چین وابسته هستند، ممکن است دوباره تحت فشار قرار گیرند تا هزینه‌های بیشتری برای حفظ نیروهای آمریکایی در خاک خود پرداخت کنند. این فشارها، به‌ویژه در شرایط اقتصادی فعلی کره جنوبی که با کاهش صادرات بدهی‌های بالا مواجه است، می‌تواند به بحرانی عمیق‌تر تبدیل شود. علاوه بر این، سیاست‌های ترامپ در قبال کره شمالی که در گذشته شامل ملاقات‌های مستقیم با کیم جونگ اون بود، ممکن است بار دیگر تنش‌ها را در منطقه افزایش دهد.

در نهایت، یکی از بزرگ‌ترین نگرانی‌ها در مورد دولت ترامپ، تأثیر او بر اتحادیه‌های بین‌المللی است. سیاست‌های او در دور اول ریاست‌جمهوری، به انزواى آمریکا در صحنه جهانی منجر شدد و متحدان را مجبور به تجدیدنظر در روابط خود با واشنگتن کرد. اگر ترامپ همانند گذشته به توافق‌نامه‌هایی مانند برجام با پیمان‌های زمست‌محیطی جهانی پشت بکند، ممکن است این انزواییش شود. کشورهای اروپایی مانند فرانسه و آلمان ممکن است به دنبال تقویت روابط خود با چین یا روسیه به عنوان جایگزین‌های بالقوه باشند، امری که می‌تواند نظم جهانی پس از جنگ جهانی دوم را به‌طور اساسی تغییر دهد.

بنابراین، بازگشت ترامپ نه تنها وضعیت اقتصادی متحدان را پیچیده‌تر خواهد کرد، بلکه می‌تواند تغییرات عمده‌ای در ساختار سیاسی و امنیتی جهان ایجاد کند. این تغییرات، هم فرصت‌هایی برای بازتعریف نقش کشورها در نظام بین‌المللی ایجاد می‌کند و هم خطراتی را برای بی‌ثباتی جهانی به همراه دارد. به هر روی، چالش‌های سیاسی و اقتصادی پیش‌روی متحدان ایالات متحده در سال ۲۰۲۵ نمایانگر یک تغییر اساسی در ساختار روابط بین‌المللی است. ضعف اقتصادی در آلمان، فرانسه، کره جنوبی، و کانادا، همراه با بحران‌های سیاسی داخلی، موقعیت این کشورها را به‌عنوان شرکای اصلی آمریکا تضعیف کرده است. در همین حال، بازگشت ترامپ به کاخ سفید، می‌تواند این چالش‌ها را تشدید کند و اتحادیه‌های قدیمی را بیش از پیش تحت فشار قرار دهد.

در نهایت، جهان وارد دوره‌ای از تغییرات بنیادین در نظم جهانی شده است که طی آن، کشورها باید به‌جای تکیه بر ایالات متحده، به دنبال راه‌حل‌های مستقل‌تری برای بحران‌های اقتصادی و امنیتی خود باشند. برای مقابله با این چالش‌ها، متحدان آمریکا راه‌سنجی را پیش‌رو خواهند داشت. آنها ناگزیر به هماهنگی بیشتر، اصلاحات ساختاری و تلاش برای ایجاد اتحادیه‌ای چندجانبه نوین هستند.

## منابع

سلاح موجود در غزه با آنچه در کرانه باختری یافت می‌شود، قابل مقایسه نیست. این در حالی است که اهالی غزه بیشتر از یک‌سال با رژیم صهیونیستی درگیر جنگی شدید بوده‌اند؛ جنگی که در آن نیاز به مصرف بالای مهمات بوده، نگهداری از تسلیحات از دشوار کرده و هم‌زمان بخش بزرگی از سلاح‌ها و مهمات به دست دشمن افتاده یا نابود شده‌اند.

در این میان، این نکته حائز اهمیت است که دانش ساخت سلاح در غزه به میزان زیادی بومی شده و گر وهای حاضر در آن، بیشتر از گروه‌های موجود در کرانه باختری قادر به ساخت سلاح هستند. غزه مسلح‌تر از کرانه باختری است و باقی ماندن در آن می‌تواند تلفات صهیونیست‌ها را افزایش دهد.

### ۶. سابقه رزمی

اهالی کرانه باختری فاقد سابقه رزمی قابل توجه‌اند. آخرین اقدامات رزمی متند و عمده در این منطقه به نیمه اول دهه ۲۰۰۰ مربوط است. درحالی‌که دوده از آن زمان می‌گذرد، غزه فراغ از جنگ‌های سال‌های ۲۰۰۸، ۲۰۱۲ و ۲۰۱۴ هم‌اکنون نیز در جنگی بزرگ با رژیم صهیونیستی قرار دارد. اخیراً رسانه‌های صهیونیست ادعا کرده‌اند ۴ هزار نیروی تازه‌نفس جذب حماس شده‌اند. این عدد برای جایی مثل کرانه باختری که تعداد کل نفرات مسلح در آن چندصده نفر فراتر نمی‌رود، یک رویاست.

دارد که با وجود تقسیم به ۵ استان، عملاً تمام آن‌ها به دلیل وسعت کم، به یکدیگر متصلند. بدون وجود روستاهای زیاد و فواصل طولانی و ناهمواری‌ها، غزه مترکم است. چنین تراکمی امکان کنترل مؤثر جمعیت فلسطینی را از صهیونیست‌ها سلب می‌کند. به‌دلیل بزرگی‌هایی بود که صهیونیست‌ها در غزه تحمل تلفات بیشتری شده و در سال ۲۰۰۵ آن را ترک کردند.

### ۴. تجربه زندگی آزاد

غزه از قضیه فلسطین جدا نیست اما دست کم از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۳ به مدت ۱۸ سال یا دوه دهه، خارج از سیطره صهیونیست‌ها زندگی کرده است. صهیونیست‌ها درخصوص خروج از غزه در گذرگاه‌ها برای اهالی غزه کنترل اعمال می‌کردند اما خبری از یورش‌های ناگهانی نبوده است. با توجه به آنکه جمعیت قابل توجهی از جوانان در دوره آزادی غزه رشد کرده‌با حتی به دنیا آمده‌اند، اعمال وضعیتی همچون کرانه باختری بر آن‌ها دشواری‌های خود را دارد. این مسئله خود به دلیلی برای تقویت گروه‌های مقاومتی برای احیای وضعیت گذشته و به دست آوردن آزادی تبدیل خواهد شد.

### ۵. وفور سلاح

جنگ کنونی ضربه‌ای بزرگ به ذخایر تسلیحاتی غزه‌زده است، اما نمی‌تواند آن را به میزانی تضعیف کند که کنترلش در طولانی مدت امکان‌پذیر شود. همچنان میزان

<sup>[1]</sup> بازگشت ترامپ چالش‌های جدّی اقتصادی و سیاسی به همراه داشته است